







« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه پنجم – دور یازدهم – ۱۵ اسفند ۱۴۰۰



در محضر سورۂ سبا:

بخش اول آیه ۳۹:



قُلْ: إِنْ رَبِّي

يَسُطُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

وَيَقْدِرُ لَهُ ... (سبأ/ ۳۹)

بگو خدای من، برای هر کدام از بندگان که او را لایق ببیند،
« روزی » را « گسترده » یا برای او « محدود » می کند ...

« رزق »، « ابرازِ لطف و عنایتِ الهی »،

برای مهیا شدنِ امکانِ « زندگی جانداران » است،

که به اندازه:

« قابلیت، لیاقت، ظرفیت و صلاحیت » آنهاست،

بدون اینکه « چیزی » از خداوند « کم » شود.

هیچ « جاننداری »، « بی رزق » نیست.

« رزق » مخلوقات، « برابر » نیست.

پرسش ۱:



«چرا» رزقِ جانداران «برابر» نیست؟

زیرا **اولاً:** « **زیبائی** جهان »،

در « **تبعیض** در **رزق** » است:

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ

فَمَا الَّذِينَ فَضَّلُوا بِرَآدَى رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ؟ (نحل/۷۱)

و خدا روزی بعضی از شما را نسبت به بعضی دیگر بیشتر داده

اما آنها که « بیشتر » دارند رزقشان را به زیردستانشان نمی‌دهند تا با هم برابر شوند آیا باز نعمت خدا را انکار می‌کنند؟







ثانیاً: « تبعیض » از « آزمون‌های الهی » است تا با آن،

« معرفت، انسانیت، صداقت و خلوص » افراد « عیان » شود:

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

فَيَقُولُ: رَبِّي أَهَانَنِ (فجر/۱۶)

و اما وقتی او را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌کند،

پس می‌گوید: خدای من، به من « إهانت » کرده است!!!!

ثالثاً: غالب افراد بشر،

« **خودخواه** » و « **خودبزرگ‌بین** » اند،

لذا از اینکه « **رزق** » آنها

با رزقِ « **زیردستان** » آنها « **برابر** » باشد،

اصلاً « **راضی و خوشحال** » نیستند:

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ

فَمَا الَّذِينَ فَضَّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ

عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ

أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ؟ (نحل/ ۷۱)

و خدا روزی بعضی از شما را نسبت به بعضی دیگر بیشتر داده،
اما آنها که «بیشتر» دارند رزقشان را به زیردستانشان نمی‌دهند تا با هم برابر شوند
پس آیا (آنها) «خدائی بودن نعمتها» را «انکار» می‌کنند:

مقدارِ « بُخل » بشر چقدر است؟

قُلْ: لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي

إِذَا نَأْمَسَكُمْ خَشِيتُ الْإِنْفَاقِ

وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (إِسْرَاءُ/ ١٠٠)

بگو: اگر شما « مالکِ گنجینه‌های رحمتِ خدایِ من » (هم) باشید،
باز هم²¹ از ترسِ (فقر) از انفاقِ امساک می‌کنید زیرا انسان، « تنگ‌نظر » است.

رابعاً: « **گسترش رزق** » (برای افراد بی ظرفیت و بی لیاقت و بی قابلیت)،

عامل: « **طغیان** » آنها می شود:

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ

وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (شوری/۲۷)

و اگر خدا روزی را بر بندگان بگستراند در زمین عصیان می کنند
لذا به اندازه لازم فرو می فرستد، زیرا که او به (لیاقت) بندگان آگاه بیناست.

پرسش ۲:



« مجرای » دریافت رزق چیست؟

« **مجارى رزقِ الهى** » (به صورت نعمت يا نعمت)،

اولاً: هيچ « **محدوديتى** » ندارند،

ثانياً: گاهى « **خارق العاده** و غير طبيعى » اند،

(مثل: شكافتن دريا، اژدها شدن عصا، تولد حضرت اسحاق، حضرت مسيح، حضرت يحيى ...)

(دوبار باز و بسته شدن ديوار كعبه، ماهى امدادگر، و زيبا شدن ... و هزاران هزار معجزه ديگر)

لذا قابل « **پيش بينى** و **محاسبه** » نيستند:

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ... (طلاق/۳)

و از جایی که خودش حساب نمی کند، به او روزی می دهد ...

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ

فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا

وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر/۲)

اوست که از اهل کتاب آنهایی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج بیرون کرد (در حالی که) گمان نمی کردید که آنها بیرون روند،

و آنها می پنداشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنهاست اما خدا از آنجایی که تصور نمی کردند بر آنها درآمد،

و در دلهایشان بیم افکند (به طوری که) به دست خودشان و به دست مؤمنان خانه های خود را خراب می کردند پس ای دیده وران عبرت گیرید.

پریشی ۳:



چند « رزق ارزشمند »؟

فَأَسْأَلُ اللَّهَ ...

أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ ...

... وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ...

... وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِيٍّ مَعَ إِمَامٍ هُدًى ...

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ

پرسش ۴:



« تکالیف » انسان،
نسبت به « رزقِ الهی » کدامند؟

تکلیفِ اول:



باید آن « رزقِ الهی » را با « لذّت **خورد** و نوشید »:

.... **كُلُوا** مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

.... **كُلُوا** وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ **الله**

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ **الله** حَلَالًا طَيِّبًا

.... **كُلُوا** مِنْ رِزْقِ **رَبِّكُمْ**

.... **وَكُلُوا** مِنْ رِزْقِهِ

پرسش ۵:



« أَكَل » بَا « بَلَغ » چہ فرقی دارد؟

با « **بلعیدن** »،

« چیزی » وارد « **چرخه** **گوارش** » می‌شود،

اما چیزی از آن،

« **هضم** » و « **جذب** » نمی‌شود:





اما در « **أكل** »،

بخشی از آن خوراکی یا تمام آن،

حتماً « **هضم** » و « **جذب** » می‌شود،

و در « **تکامل** » شخص، تأثیر می‌گذارد.

ظاهراً چون میان آدم و حوا، «زوجیت» رخ نداد،

آنها «امکانِ خوردن» پیدا نکردند:

وَقُلْنَا يَا آدَمُ؛ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ

وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا

وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (بقره/۳۵)

اگر مردم بکوشند دائماً رزق الهی را « جذب » کنند،

هرگز کارِ « فساد‌انگیز » نمی‌کنند:

... **كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ**

وَلَا تَغْثُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ (بقره/۶۰)

... از روزی خدا بخورید و بیاشامید و در زمین، به تبهکاری منحرف نشوید.

جالب اینکه « شهداء »، « دائم الجذب » هستند:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا

بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...

(آل عمران / ۱۷۰)

تکلیفِ دوم:



باید برای «هر نعمتی»، «خدا» را «شکر» کرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ ...

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ خَالَاءَ طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ ...

... كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ...

تکلیفِ سوم:



باید با آن « رزق الهی »، « **رازق** » دیگران بود:

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا

وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء/۵)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ،

فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء/۸)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (١٥)

(چرا؟)(چون:)... إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (١٦)

(چرا؟)(چون اولاً:) كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (١٧)

(ثانياً:) وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (١٨)

(ثالثاً:) وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَخْرُومِ

(ذاریات/١٩)

بدان که: « **زنده** » هستی.

بدان که: « **انسان** » شده‌ای.



« نیاز » متقین در ماهِ « شعبان »:

وَأَرْزُقْنِي مُوَاسَاةً مِّنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِّزْقِكَ

وَسَّغْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ

وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ

وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ

بِمَا:

و روزیم کن « دستگیری » از آن فردی که روزیت را بر او تنگ کردی. با آنچه بر من وُسعت دادی
با فضلی که بر من وُسعت دادی و عدلی که بر من روا داشتی و در زیر سایه‌ات زنده‌ام داشتی.
چرا خداوند چنین کرد؟ تا « مرا با شکرِ حیات و امکاناتم » و « او را با اعتماد و صبرش », بیازماید.

پرسش ۶:





« دشمنان حق »، « چند گروه » اند؟

گروه اول:



« کفار »،

که با « خدا » و تمام « سفیران » او

سرِ « جنگ » دارند،

و دائماً در حال « بحران آفرینی » اند:

...الَّذِينَ: { يُحَارِبُونَ } { وَاللَّهُ }
 { وَرَسُولُهُ }
 { وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا } (مائده/٣٣)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا { وَكَفَرُوا } { وَاللَّهُ }
 { وَتَفَرَّقَ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ }
 { وَإِزْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ } { وَرَسُولُهُ }
 (توبه/١٠٧)

گروه دوم:



آنها که «**خدا**» و «**سفیران**» او را

ظاهراً «قبول دارند»،

اما از احکام و حدود عقلی و شرعی،

«**نافرمانی**» می کنند:

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

شُرکِ ذهنی

وَيَتَّقِ حُدُودَهُ

شُرکِ عملی

يُدْخِلْهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (نساء/۱۴)

و هر که خدا و پیامبر او را نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز کند،
او را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برایش عذابی خفت‌آور است.

در تمام ادوار تاریخ، « **حق طلبی** و **عدالت خواهی** »،

با « دو دشمن » روبرو بوده و هست:

اول: « **دشمنان خارجی** » (کفار و مشرکین)

و دوم « **دشمنان داخلی** » (منافقین و معاندین و مخالفین).

البته « **لطمه** دسته دوم » به مراتب بیشتر و سخت تر است.

لذا قرآن، مجازات منافقین را خیلی شدیدتر اعلام می کند:

« **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ** »

پرستی ۷:



فرقِ

« كافر » و « منافق » ؟

« **کافر** »،

« **عقل** » و « **خالق** » خود را قبول ندارد،

اما « **منافق** »،

با « **عقل** » و « **ولی خدا** » مخالفت دارد: 62

إِذَا جَاءَكَ **الْمُنَافِقُونَ** قَالُوا: **نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ**

وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ

وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

(منافقون / ۱)

وقتی منافقین نزد تو آیند می گویند: گواهی می دهیم که تو واقعاً رسول خدا هستی،
و خدا می داند که تو رسول اوئی و خدا گواهی می دهد که منافقین حتماً دروغگویند.

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ

خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ

وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (توبه/ ۸۱)

بجامندگان بر «مقعدشان» از مخالفت با رسول خدا، شادمان شدند و کراهت داشتند

از اینکه با مال و جانشان در راه خدا جهاد کنند و گفتند در این گرما بیرون نروید بگو اگر دریابند آتش جهنم سوزان تر است

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ
بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ

وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (نساء ۸۱)

و می گویند: فرمانبرداریم اما وقتی از نزد تو خارج می شوند خلاف آنچه تو گفتی،

در جلسات شبانه خود نقشه می ریزند و خدا آنچه را که شبانه در سر می پرورند می نگارد پس از ایشان روی برتاب و بر خدا توکل کن و خدا بس کارساز است

پرستی ۸:



وجه «**اشتراک**» کافر و منافق چیست؟

کافران (دشمنان خارجی) و منافقان (بدخواهان داخلی)،

مثل « دو لبه قیچی » با هم « هماهنگ » هستند،

و « هدفِ مشترکِ » آنها،

« **حق** ستیزی و مبارزه با **عدالت** خواهی »، و

ایجادِ « **اختلاف** و **تفرقه** و **شکاف** » بین مردم است.

بخش دوم آیه ۳۹:



قُلْ: إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرُّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ

وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (سبأ/ ۳۹)

بگو خدای من، برای هر بنده‌ای که لازم ببیند، « روزی » را « گسترده یا محدود » می‌کند

و هر ⁷⁰چه را انفاق کنید، (بلافاصله خداوند) آنرا جایگزین می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.

» مورد: ۴۷۹ «:

» انفاق « چیست؟



مُتَنَافِقٌ → نِفَاقٌ

نَفَقٌ: فاصله، کمبود، شکاف ... (مادی، معنوی، عاطفی، علمی)

مُنْفِقٌ → إِنْفَاقٌ

پس انفاق: خُمُس، صدقات، خیرات و انواع زکات و نفقه‌ها را هدفمند می‌کند.

تکلیفِ چہارم:



باید قبل از مرگ و با هر نوع « رزق الهی »،

هر گونه « **فاصله** » طبقاتی،

و « **شکاف** » میان « اُمّت و امام و نظام » را

« **پُر** » کرد و از بین بُرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ **انْفِقُوا** **مِمَّا** رَزَقْنَاكُمْ

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره/٢٥٤)

وَانْفِقُوا **مِنْ** مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ

فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (منافقون/١٠)

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ **مِنْ** سَعَتِهِ وَ (حتى) **مَنْ قُدِرَ** عَلَيْهِ رِزْقُهُ

فَلْيُنْفِقْ **مِمَّا** آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (طلاق/٧)

پیشی ۹:



چند « رزقِ زیبا »؟

۱- « مهاجرت » برای « حاکمیتِ خدا »:

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا

لَيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (حج/ ۵۸)

۲- برخورداری از «**حمایت الهی**»:

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّي

وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا

... إِن أُرِيدُ إِلَّا **الْإِصْلَاحَ** مَا اسْتَطَعْتُ

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود/۸۸)

۲- « رزقی » که « انفاق » می شود:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ

وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّْا رِزْقًا حَسَنًا

فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا

هَلْ يَسْتَوُونَ؟ ... (نحل/۷۵)

» چي انفاق « ڪنيم؟

يَسْأَلُونَكَ **مَاذَا يُنْفِقُونَ؟**

قُلْ: مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ:

فَلِلَّذِينَ
وَالْأَقْرَبِينَ
وَالْيَتَامَى
وَالْمَسَاكِينِ
وَأَبْنِ السَّبِيلِ

وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره/۲۱۵)

پس این « پنج مورد » در انفاق، « اولویت » دارند.

چرا « انفاق »،
عاملِ « فقر » نمی‌شود؟

زیرا انسان،

خودش محتاج « **انفاق** » است

و انفاق به « خود او » بر می گردد:

قُلْ : إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

فَهُوَ يَخْلِفُهُ

وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (سبأ / ٣٩)

... وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ

وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ

وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ

وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (بقره/۲۷۲)

هَآ اَنْتُمْ هُوْلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتَنْفِقُوْا فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ
فَمِنْكُمْ مَنْ يَنْخَلُ

وَمَنْ يَنْخَلُ فَاِنَّمَا يَنْخَلُ عَنْ نَفْسِهٖ

شما همانید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید
پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر که بخل بورزد
تنها به زیان خود بخل ورزیده

و (بدانید که) خداوند بی نیاز است اما شما (به انفاق کردن و قطع تعلقات) نیازمندید
پس اگر روی برتابید (خداوند) مردمی غیر از شما را جانشینتان می کند
که مانند شما (بخیل) نیستند:

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ
وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ
ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد/۳۸)

پرسش ۱۰:



کدام قوم « دو بار أجر » می گیرند؟

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا: آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (قصص/۵۳)

آنان که قبل از آن (?)، کتاب به ایشان دادیم، آنان به (قرآن) ایمان می‌آورند.
و چون بر آنان (آیات) تلاوت می‌شود می‌گویند: به آن ایمان آوردیم که آن حق
و از طرفِ خدای ماست، ما قبل از آن (هم) از تسلیم‌شوندگان بودیم.

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ

بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرَوْنَ بِالْحَسَنَةِ الَّتِي

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (قصص / ۵۴)

آنانند که: ۱- به (پاس) آنکه صبر کردند، ۲- و (برای آنکه) بدی را با نیکی دفع می کنند،
۳- و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند، «دو بار» پاداش خواهند یافت.
(به نظر شما این تنها قوم صاحب کتابی که تسلیم اسلام شدند، کدام قوم اند؟)



خدایا:

بر شناختِ ما از « **قرآن** و **عترت** » بیفزای

و ما را از « **شرک** » و « **کفر** » و « **نفاق** » حفظ،

و در « **شکر** » و « **انفاق** » نعمت‌هایت موفق فرما،

و « زمینه‌سازِ ظهورِ آخرین حجت » قرار ده.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

